

سیده نعیمه زینبی شهری را با کوجه های خاکی، آب های آلوده، حمام های خزینه ای و جولان بیماری های واگیردار تصور کنید. وقتی حرف از بهداشت عمومی می شود، این نزدیک ترین تصویر به مشهد هفتادسال پیش است. روزگاری که سواي بسياری مرگ و مير مردم به واسطه بیماری های ناشی از کمبود بهداشت و آلودگی فراوان، دیدن کودکان کچل در میان شهر، خیابان و مدرسه، یک تصویر روزمره و نشانگر یک بیماری قارچی سمج بود. بیماری جلدی که امروزه با نام علمی «درماتوفیتوز» یا «تینیا، شناخته می شود؛ عاملی که به عمق فولیکول و ساقه مو نفوذ می کند و ریزش موی منطقه ای، پوسته ریزی و زخم های چرکی عمیق (کربن) را به همراه می آورد. مشاهد روزگاری میدان مبارزه با این بیماری بوده و گزارش بیش رو، بازخوانی تاریخچه این مبارزه بهداشتی است که ما را با یکی از غصه های بزرگ والدین آن روزگار و دغدغه های مداوم متولیان حفظ الصحه و بلدیه در مشهد آشنا می کند.

- وقتی کچلی بخشی از زندگی روزمره بود

آن روزها، این بیماری پوستی که با نام «کچلی» میان مردم شناخته می شد، درکنار «تراخم (عفونت چشمی ناپیتناکنده)»، دختران و پسران بسیاری را مبتلا می کرد و در صورت نبود درمان، سرنوشت آنان را با بی مویی یا کم بینایی گره می زد.

محمود ناظران پوری یکی از قدیمی های مشهد، در این باره می گوید: «کچلی بین بچه ها، چه دختر و چه پسر، امری کاملاً رایج بود و عامل اصلی انتقال این قارچ هم آب حمام ها بود. موهای سر با ابتلا به بیماری می ریخت و ظاهر بسیار بدترکیبی پیدا می کرد. این وضعیت در میان زنان به مراتب دردناک تر بود، بسیاری از آن ها کچل بودند و برای پنهان کردن آن کلاه گیس سرشان می گذاشتند. حتی مثلی در مشهد بود که به طعنه می گفتند چهل نفر آینه به دست، فاطمه کچل مواشه میست، این را زمانی به کار می بردند که کسی هیچ چیز نداشت اما دنگ و فنگ و اعاشش زیاد بود. سر بچه ها همیشه زخمی بود و مداوایی هم در کار نبود.» طبق گفته های این مشهد شناس، کچلی ها را بر اساس شدت و نوع آن تقسیم می کردند. کچلی سرگاهی تا هفت سالگی، گاهی تا نازده سالگی و در مواردی تاسی سالگی با فرد می ماند. به فرد کچلی که اصلاً موری سرش نداشت به طعنه می گفتند «شاه عباس» یا «کل شاه عباسی» زیرا معروف بود شاه عباس هم در ظاهر کل (طاس) بوده است. انواع دیگر کچلی هم نام های خود را داشت، مثلاً کل تپ تپی» به کسی می گفتند که از شدت خارش مدام به سرش می کوفت. «کل ناخونی» کسی بود که مدام با ناخن سرش را می خاراند تا قارچ ها را جدا کند و «کل زردآبی» هم نوع ترشح دار و چرکی این بیماری قارچی بود.

- حمام های خزینه ای، کانون گسترش بیماری

برای ردیابی تاریخچه کچلی در شهر ناگزیر باید به سراغ مطبوعات و مکتوبات دوره قاجار رفت. اگرچه شواهد مکتوب درباره این بیماری در اسناد اولیه قاجاری پراکنده است، گزارش های پزشکان اواخر این دوره، از یک فراگیری شدید خبر می دهد.

به عنوان نمونه، دکتر مسیح السلطنه در نامه تاریخی خود به تاریخ ۱۹ دی ۱۲۹۹ خورشیدی، با انتقاد شدید از وضعیت اسف بار حفظ الصحه شهری، دالان های تاریک، معابر آلوده از زباله و حمام های غیر بهداشتی می نویسد: «انسان نباید بدون جهت بمیرد و یا کور و کچل و زخمی و علیل و بیمار بماند.» این هشدار صریح، نشان دهنده فراوانی زیاد معلولیت ها و بیماری های پوستی و چشمی در میان عامه مردم بوده است. شواهد تاریخی نشان می دهد حمام ها یکی از دلایل اصلی در گسترش کچلی بود؛ در دوره قاجار، آب حمام ها اغلب با مجاری روباز شهری تأمین و در مسیر خود با فضولات انسانی و حیوانی آلوده می شد. از طرف دیگر، به دلیل هزینه بر و زمان بر بودن، آب خزینه ها به ندرت تعویض می شدند. شاید به همین دلیل بود که با شکل گیری حفظ الصحه دولتی و تأسیس بلدییه در اواخر دوره احمدشاه قاجار، نخستین جایی که ورود بهداشت به آن ضروری شد، حمام های سنتی بود. در این دوره، بلدییه و نهادهای دیگر کوشیدند با اخطار و نظارت بر نظافت حمام ها و کنترل وضع خزینه ها از دامنه شیوع بیماری های پوستی و چشمی بکاهند. هرچند این فرامین دولتی در ابتدا به دلیل ساختار سنتی شهر و مقاومت صاحبان گرمابه ها با کندی پیش می رفت. مسئله بیماری های واگیر آن چنان در شهر گسترده بود که نمی شد به راحتی از کنار آن گذشت. با گذر زمان، شیوع این بیماری آشکار شد و هرچه گذشت، مقابله با گسترش بیماری اهمیتش بیشتر

درباره مبارزه با یک بیماری سمج در مشهد قدیم که ریشه کن کردن آن سال ها طول کشید

کارزار با کچلی!



تصویری از بچه های دوره قاجار با سرهای تراشیده و کلاه نمدی بر سر

شد تا جایی که سال ۱۳۱۴ ممنوعیت فعالیت خزینه ها به صورت قانون درآمد.

- کلاه کش، درمانی دردناک برای رهایی

زمانی که خبری از درمان های نوین نبود، خانواده ها با کمک عطاری ها تلاش می کردند بچه ها را از شر قارچ سر نجات بدهند. محمود ناظران پور، یکی از شیوه های درمان خانگی بیماری کچلی را این طور توصیف می کند: «درمان های سنتی این بیماری بسیار بی رحمانه بود. مادرهایک ضما د چسبناک از عطاری ها می گرفتند، روی تکه ای پارچه می مالیدند و آن را محکم روی سر کچل بچه می بستند. پس از مدتی که این ضما روی سر خشک و سفت می شد، بچه را به حمام می بردند تا خیس بخورد؛ سپس پارچه را ناگهان و با یک حرکت محکم می کشیدند و می کشیدند. با این کار، قارچ ها کنده می شد اما پیاپی مو نیز از ریشه درمی آمد و گاهی پوست سر بچه کنده می شد و فریادش به آسمان می رفت؛ هرچند بعد از این شکنجه، دیگر از کچلی راحت می شد.» از حدود سال های ۱۳۰۸ به بعد، کم کم راه های نوین درمان توسط پزشکان خارجی مانند «طیبیه آغایوف روسی»، برای درمان کچلی به کار گرفته شد. این پزشک در آگهی روزنامه، قول درمان کچلی با دستگاه های الکتریکی را داده بود.

- کچلی، سوغات ناخواسته سفر

حدود سال ۱۳۰۷ صحنه شرق تلاش کرد حمام های خزینه ای را حذف و تبدیل به دوشی کند و حتی در جراید پیشنهاد ساخت حمام های جداگانه برای مبتلایان به بیماران مسری را داده که البته به جایی نرسید. سال ۱۳۰۸ نامه سرگشاده دیگری در مکتوبات شهری به چاپ می رسد که پرده از حقیقت دیگری درباره زائران حضرت رضا^ع و مشکلاتی که دارند، برمی دارد. در این نامه آمده است: «حقیقتاً خیلی رقت آور است یک فامیلی که از نقاط دیگر به عنوان زیارت یا تجارت یا سیاحت وارد مشهد می شوند در موقع مراجعت به مناسبت اینکه در کاروان سراهای زواری مملو از کثافت بار انداخته و در مهمان خانه های بی نظافت غذا خورده و در حمام های کثافت بار بدن خود را شست و شوداده اند یکی دو نفر از فامیل خود را برای خراسانی ها به رسم یادگار مدفون نموده و یکی دو نفر از آن ها کور، کچل شده و امراض وارده را به عنوان سوغات به مراکز خود ببرند که کچلی آن قدر به مردم فشار روانی و جسمی وارد کرد که به عنوان یک مشکل جمعی و اجتماعی در آن دوران حتی به میان اشعار هم راه یافت. صابری، عضو تجارتخانه کوزه کنانی، در این باره شعری به جرایدمی فرستد که چنین است: «شهر ما پر شده از عاجز و شل/ هر طرف می نگری کور و کچل».

جنگ جهانی دوم بازمی شود و مشهد به اشغال روس ها درمی آید، با وقعه پیش آمده، بسیاری از این امیدها به هدر می رود.

وزارت معارف در سال ۱۳۱۸ نام وزارت فرهنگ به خود می گیرد اما این اتفاق هم تأثیری در کنترل اپیدمی میان دانش آموزان ندارد. در گزارشی که جراید افیوضات، رئیس فرهنگ خراسان به چاپ می رسانند، معلوم می شود در سال ۱۳۲۰ حتی تعداد دانش آموزان ثبت نامی در مدارس رو به کاهش بوده است. از این جهت تا حدود سال ۱۳۲۶ خبری از کچلی و درمان آن در مطبوعات نیست.

- مبارزه بهداری فرهنگ با کچلی!

۲۴ مهر سال ۱۳۲۳ خورشیدی، رادیو مشهد، نقدی بر بازکردن حمام های سنتی پخش می کند که نشان از به ثمر نشتن تلاش شهرداری برای تعطیل کردن خزینه ها دارد. این مسئله نشان می دهد که دو کانون انتشار کچلی همچنان با پرجا مانده است. سال ۱۳۲۶، اداره فرهنگ مشهد، خودش دست به کار می شود و بهداری تأسیس می کند. در نخستین سال، طبق گزارش فیوضات، رئیس فرهنگ، در مطبوعات، شش نفر دکتر و پزشک یار به ریاست دکتر اسعد شروع به کار می کنند. او در سخنرانی اش خبر خرید یک دستگاه برای معالجه تراخم و قول خرید یک دستگاه رادیوترابی مخصوص کچلی را می دهد. طبق این اظهارات درمان دانش آموزان پیش از تأسیس بهداری با دستگاه رادیوترابی بیمارستان شاهرضا انجام می شده و دانش آموزان بی بضاعت رایگان درمان می شده اند.

از این تاریخ به بعد، معاینه دانش آموزان در مدارس به صورت گسترده صورت می گیرد تا دانش آموزان مبتلا در مراحل نخست بیماری شناسایی و درمان شوند. سال ۱۳۲۷ هم بالاخره خبر خوش نصب دستگاه ضدکچلی بهداری فرهنگ منتشر می شود تا امید تازه ای در دل دانش آموزان مبتلا و به خصوص فقیر برآید. خبر تعمیر این دستگاه در سال ۱۳۳۲ و بدون استفاده ماندن هشت ماهه اش، نشان از به کارگیری مستمر این دستگاه تا آن تاریخ دارد.

- انجمن حمایت از بیماران در خط مقدم

سال ۱۳۲۸ خبر مناقصه و خرید یک دستگاه رادیوترابی و چهار دستگاه به منظور درمان تراخم از سوی انجمن حمایت از بیماران در جراید به چاپ می رسد که نشان از عزم جدی نیکوکاران و شهریاران برای ریشه کنی کچلی در شهر دارد.

این هزینه از منبع ماخذ اعانات زوار پرداخت می شود؛ ماجرا از این قرار است که در این سال از زائران حج، نفری دویست ریال و از زائران عتبات، صد ریال دریافت می شود

تا صرف بهداشت شهر شود. بهداری شهر نیز تصمیم می گیرد که این مبلغ را صرف مبارزه با اپیدمی های شهر که منجر به کوری و کچلی می شود، کند. ۱۹ بهمن سال ۱۳۲۹ نیز گام دیگری در شهر برای پیشگیری از بیماری کچلی برداشته و هیئت تعاون بهداشتی برای راه اندازی دستگاه های درمان تراخم و کچلی با حضور پزشکان مشهد تشکیل می شود. اخبار سال های بعد نشان می دهد که این هیئت به خوبی دست به کار شده است. تیرماه سال ۱۳۳۲ در خبرها آمده است: «راجع به تکمیل ماشین آلات معالجه تراخم، کچلی و برق، لوازمی که کسری دارد از طرف جمعیت تعاون بهداشت خراسان خریداری شده است.»

درمانگاه مجهز رازی زیر نظر انجمن بانوان جمعیت شیروخورشید نیز با تلاش این هیئت در همین سال به راه می افتد. در تبلیغات این درمانگاه آمده است: «رادیوسکوپ و رادیوگرافی تحت نظر دکتر متخصص آلمانی دائر و همه روزه برای معالجات کچلی با قیمت مناسبی که عموم طبقات بتوانند استفاده کنند شروع به کار نموده است.»

همچنین خیران تصمیم به اختصاص کمک مالی برای درمان کودکان فقیر مبتلا به کچلی در این درمانگاه می گیرند. در این سال بعضی مؤسسات مانند اندرزگاه رازی و اندرزگاه مهد کودکان شیر و خورشید سرخ اقدام به خرید دستگاه رادیوترابی می کنند و کمیسیون مستمندان تصمیم به جمع آوری و درمان کودکان مبتلا به کچلی می گیرد. حتی سال ۱۳۳۳ انجمن بینوایان موافقت می کند که هر ماه پنج هزار ریال به درمانگاه رازی کمک کند تا صرف معالجه اطفال بی بضاعت و دانش آموزان فقیر مبتلا به کچلی شود.

- شهرداری هم به میدان می آید

سال ۱۳۳۳ خورشیدی، شهرداری مشهد نیز برای مبارزه با کچلی وارد گود درمان می شود. در بهمن ماه، آگهی مناقصه خرید دستگاه رادیوترابی سطحی به همراه تخت مخصوص معالجه و دستگاه مخصوص سردکننده برای بهداری مشهد منتشر می شود. بالاخره در دی ماه سال ۱۳۳۴ کانون مبارزه با کچلی در درمانگاه شماره یک شهرداری شروع به کار می کند. این درمانگاه که در میدان سوم اسفند قرار دارد، مجهز به آخرین دستگاه های رادیوترابی سطحی ساخت آلمان می شود.

طبق اعلام جراید هزینه درمان نیز دویست ریال برای هر جلسه اعلام می شود. دو سال طول می کشد تا دستگاه دیگری برای بیمارستان شماره ۲ شهرداری خریداری و نصب شود. دستگاه دوم نیز چندماه بعد برای این بیمارستان خریداری می شود. این دستگاه ها به کمک مشمولین کچل هم می آید و معلوم می شود کچلی فقط متعلق به دانش آموزان نیست

و در سر باز خانه ها هم نگرانی هایی را ایجاد کرده است. به همین دلیل مسئولان امر تصمیم می گیرند که مشمولین خدمت مبتلا به بیماری کچلی را قبل از ورود به خدمت به وسیله دستگاه رادیوترابی بهداری شهرداری معالجه کنند.

آمار بیمارستان نشان می دهد در شش ماهه دوم سال ۱۳۳۶ تعداد ۲۳۲ مریض مبتلا به کچلی در ۱۱۵۳ نوبت رادیوترابی شده اند. در مصاحبه با حبیب، استاندار خراسان، در سال ۱۳۳۸ تشکیل درمانگاه مبارزه با کچلی، جزو کارنامه فعالیت او عنوان می شود. با ورود شهرداری و مبارزه همه شهر با این بیماری، اندک اندک نام و نشان آن از میان صفحات روزنامه حذف می شود. البته بماند که تا سال ها بعد، این مبارزات توانست ریشه آن را در روستاها از بین ببرد.

- پایان تدریجی یک انگ اجتماعی

در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جغرافیای مبارزه با کچلی قارچی در خراسان دستخوش تغییری بنیادی شد؛ پرونده ای که تا پیش از آن در کلینیک های شهری مشهد و با روش های پرمخاطره ای چون رادیوترابی گشوده بود، با استقرار تدریجی شبکه مراقبت های اولیه بهداشتی (PHC) در دهه ۱۳۶۰، به دورافتاده ترین روستاهای استان کشیده شد.

در این دوره، بهوزران بومی به کارگزاران اصلی مبارزه با این بیماری تبدیل شدند، آن ها با غربالگری های منظم در مدارس و خانه های بهداشت، زنجیره انتقال قارچ را در همان مراحل اولیه قطع می کردند.

این پایش مستمر، هم زمان با توزیع رایگان داروهای ضد قارچ خوراکی مانند گریزوفولوین و بهسازی حمام های روستایی، باعث شد روش های دردناک سنتی و عوارض دیررس اپیلاسیون با اشعه ایکس برای همیشه به تاریخ پیبوند. بدین ترتیب، گذار از درمان های متمرکز بیمارستانی به یک شبکه مویری پیشگیری، توانست یکی از کهنه ترین معضلات بهداشتی و انگ های اجتماعی جامعه خراسان را تا اواخر دهه ۱۳۷۰ به پایان برساند.



چند درخت که البته برگ دارند و خشک نیستند، تحمل شدت توفان را نداشته و فرو افتاده اند. افزون بر وضعیت درختان، پوشش مردم، نوع معماری و وسایل ایاب و ذهاب مورد استفاده در آن دوره نیز، بخشی از جذابیت های دو تصویر را شامل می شود که می توانید از آن ها لذت ببرید. کیفیت عکس با هوش مصنوعی افزایش پیدا کرده است تا جزئیات آن بهتر دیده شود.

گرفتار خسارت می شوند. در «کشف تاریخ» امروز، دو تصویر از توفان بهار سال ۱۳۳۱ خورشیدی را می بینید. یکی از عکس ها مربوط به بالاخیابان مشهد است، نهر خیابان در وسط عکس دیده می شود و البته، بهر از کمر شکسته، درختی خشک بوده که تاب شدت توفان را نداشته است. تصویر دوم، حاشیه خیابان ارگ را نشان می دهد.



از ریشه بیرون می آمدند یا از کمر می شکستند. در واقع مشهد به دلیل اقلیمی که دارد، طعم تلخ هر دو مصیبت را زیاد کشیده است. در چنین وضعیتی، معمولاً درختان ضعیف تر یا خشک شده از بین می روند و این نابودی، البته بدون خسارت نیست. گاه پیش می آید که عابران پیاده زیر تنه های سنگین درختان آسیب می بینند و زمانی هم مغازه ها و خودروهای پارک شده یا عبوری،

است و با وجود قنات های پرآبی که تا همین پنجاه سال قبل بخشی از آب مورد نیاز مشهدی ها را تأمین می کرد، گاه پیش می آمد که ناچار می شدند به خاطر کم آبی، درختان دو طرف نهر خیابان را که خشک شده بودند، قطع و به همیه زیر دیک تبدیل کنند. از آن طرف بسیار پیش می آمد که طی یک توفان سهمگین، چنین بلایی بر سر درختان بیاید، باران شدید، سیل سهمگین، باد شدیدتر و درختانی که

۲ تصویر خاص از سال ۱۳۳۱ خورشیدی

توفان

درخت کش

مشهد

مرضیه ترابی ا این روزها صحبت از تغییر شرایط اقلیمی زیاد به میان می آید، اینکه پاییز پربارش را پیش رو خواهیم داشت و سال آبی آینده، وضعیت خوش بینانه تری نسبت به سال های پیشین دارد، هرچند که این وضعیت، موضوع صرفه جویی و احتیاط در مصرف را منتفی نمی کند. شاید جالب باشد که بدانید شهر مشهد اقلیمی خشک دارد، بارندگی در مشهد از سرانه استاندارد جهانی پایین تر